

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

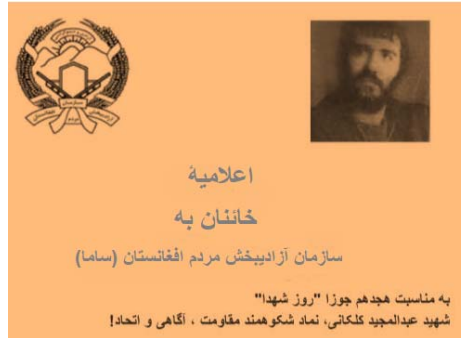
Political

سیاسی

جمعی از اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۱۲ جون ۲۰۲۵



نقد اعلامیه خائنان به ساما و جرگه اربابی تعدادی از مؤیدان و دمسازان با این خائنان



طوری که در عکس فوق مشاهده می فرمائید، خائنان چهار سه نفره مرکزیت منفور و مطرود از ساما "به مناسبت هجدهم جوزا "روز شهدا" از آغوش امپریالیسم جرمن و کانادا ریاکارانه، سالوسانه، منافقانه و معامله گرانه اعلامیه ای را نشر محدود کرده و در عین عدول و خیانت از اندیشه، راه، سازمان و آرمان مجید، با تمام وقاحت بی نظیر سردار رزم ضد استعماری و طبقاتی توده های خلق تحت ستم - زنده یاد مجید - را "نماد شکوهمند مقاومت، آگاهی و اتحاد" نامیده اند. این اعلامیه باند خائنان مطرود از ساما در صفحه فیسبوکی فردی همسرانی شده است که با داشتن گرایش لوکالیستی و همدیف قرار دادن مجید و مسعود جلا، بی بهره از شعور و دانش سیاسی در حد فهم تعریف مبارزه طبقاتی؛ مؤید و شریک خیانت ملی و تاریخی این باند تسلیم طلب بوده است. یک تن از این باند خیانت پیشه همراه با دو سه تن محدود از همکاسه ها و مؤیدان خیانت این باند آن را "لایک" کرده اند.

اعلامیه باند انقیاد طلب پرو امپریالیست خیلی سالوسانه در عین یادبود کذائی از زنده یاد مجید، خلاف خط مشی ساما مطروحه زنده یاد مجید؛ در خط تسلیم طلبی ملی و طبقاتی در حسرت "نظام جمهوریت" متلاشی شده و متعفن و در

راستای همگرایی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی بقایای اخوانی و تکنوکراتی "نظام جمهوری" در تداوم خط سازشکار و ارتجاعی باند پرو امپریالیست نگارش یافته است. هدف باند خیانتکار منفور و مطرود از ساما و خفته در آغوش پرمهر امپریالیسم از یادبود از مجید و "نماد مقاومت، آگاهی و اتحاد" نامیدنش، اغوی تعدادی از افراد عمدتاً سامائی ساده لوح و متوهم و شریک ساختن آنان در این خیانت؛ و سودجویی تسلیم طلبانه از نام و اعتبار مجید و ساما در جهت معامله گری است. اینان که ریاکارانه از مجید یاد می کنند و او را نماد "نماد مقاومت، آگاهی و اتحاد" می نامند، این را نمی گویند که مقاومت و اتحاد علیه کی؟ مجید نماد مبارزه، مقاومت و اتحاد راستین توده های تحت ستم و استثمار علیه امپریالیسم و ارتجاع بود، ولی این ریزه خواران خوان یغمای امپریالیسم و ارتجاع که در آغوش امپریالیسم خزیده و با شریک ترین ارتجاع اخوانی شورای نظاری و خائن ترین تکنوکرات ها زد و بند دارند، این را نمی توانند بگویند و بقیه برای فریب همکاران و مؤیدان ساده لوح شان است. در اعلامیه باند تسلیم طلب سه مورد درک انحرافی مخالف دیدگاه های انقلابی ساما وجود دارد:

الف:- در مورد امپریالیسم، در آغاز از سر ناچاری و نمک حلالی آن را خلاف درک و تبیین مجید و ساما از پدیده امپریالیسم، به کلمه "امپراتوری" عوض کرده اند.

ب:- دفاع خائنه و بی شرمانه از نظام مستعمراتی "جمهوریت". این وقاحت در حالی رخ می دهد که ساما و سامائی های اصولی "نظام جمهوری" را از منظر ملی یک نظام پوشالی مستعمراتی محصول تجاوز و اشغالگری امپریالیستی می دانند و از منظر طبقاتی یک نظام ستمگر طبقاتی خادم منافع طبقات ارتجاعی فئودال و بورژوا-کمپرادور (بورژوازی دلال) می دانند.

ج:- درک سراپا انحرافی و ریاکارانه از نظام طالبی، میرا دانستن امپریالیسم متجاوز و دسیسه گر از جنایات گروه طالبان و دیوار چین کشیدن بین این دو نیروی اهریمنی و مبتنی بر این تبیین انحرافی از طالب و حامیان بیرونی آن، با بیرونی دانستن طالب و نظام امارتی اش، مبارزه در برابر آن را وجیهه ملی شامل کلیه طبقات و اقشار اجتماعی - اعم از ستمگر و ستمکش - می دانند. اما، از دید منسوبان ساما طالب پدیده ای طبقاتی و ارتجاعی است که به اثر دسیسه و حمایت مستقیم امپریالیسم امریکا و شرکای امپریالیست و ارتجاعی آن با داشته های "نظام جمهوری" در ختم اشغال نظامی کشور ما و تبدیل شدن آن به موقعیت نومستعمراتی، به سریر امارت رسید. طالب به طور عمد پدیده طبقاتی است که بر زنان و مردان زحمتکش و تحت ستم و استثمار ستم مضاعف به شیوه فاشیستی را رواداشته و در این جنایت دول امپریالیستی غرب و شرق به کمک شتافته اند. پس از دید ساما وظیفه مبارزه علیه سلطه ستمگر طبقاتی طالب، عمدتاً وظیفه طبقاتی و دموکراتیک است که مبارزه ضد امپریالیستی نیرو های مبارز و توده های خلق ما از مسیر آن ادامه می یابد.

ما سال قبل در همین ماه نقد مبسوطی بر درک انقیاد طلبانه این باند منحرف از پدیده امپریالیسم و مأموریت آن و استنباط های انحرافی، ارتجاعی و غیرواقعی این منحرفان از اداره پوشالی ضد ملی تحت نام "نظام جمهوری"، از طالبان و سایر موارد مرتبط، معنون به « **تداوم انقیاد، تسلیم طلبی و خیانت** " اعلامیه ویژه " نویسان تحت نام و آرم "ساما" » نوشتیم و به طور آنلاین و چاپی به نشر سپردیم که نسخه آنلاین آن در دسترس همگان قرار دارد. محتوای اعلامیه تسلیم طلبانه این باند تکرار همان لاطانات اقیاد طلبانه است، لذا ما زیاد روی آن تماس نگرفته و خوانندگان علاقه مند به موضوع را به لینک بالا ارجاع می دهیم.

شعار های "آزادی ملی"، "دموکراسی" و "عدالت اجتماعی" شیدان انقیاد طلب بدون طرح "ترقی اجتماعی" شعار های فریبنده ای اند که همکاران اخوانی این شیدان آن را در وجود این نظام تجربه کردند و تجربه آموختند.

این سه شعار بدون مطالبه "ترقی اجتماعی" مورد تأیید افراطی ترین بنیادگرا های اسلامیت به شمول اخوان المسلمین مصر، جهادی ها و حتی تأیید طالبان با خواست عدالت اجتماعی اسلامی است.

- کلیه "نظام" های وابسته به امپریالیسم در گذشته و حال، از جمله تسلیم طلبان از "آزادی ملی" برداشت نیمه مستعمراتی داشته اند، یعنی این که باید با احتساب عامل قدرت، با امپریالیسم و قدر قدرت و قدر جهانی وارد تعامل شد و مطالبات شان را همراه با سلطه سرمایه مالی شان در کشور خود پذیرفت و در صورت اشغال کشور توسط آنان، باید این اشغالگران را فرشته های حامل صلح، دموکراسی، ترقی، تکنیک، حقوق بشر، حقوق زنان و... نامیده و از آنها استقبال به عمل آورد، زیرا امپریالیسم امروز، امپریالیسم دیروز نیست.

- عدالت اجتماعی مفهوم مبهم و تفسیر بردار است و حتی بنیادگرا های اسلامی طرفدار مالکیت خصوصی و استثمار و ستم بر زن باورمند به نوعی عدالت اجتماعی بوده و نظام خود را مظهر عدالت اجتماعی می خوانند و یک مرد در برابر دو زن در شهادت و میراث و یا یک شوهر با چهار زن، را عین عدالت اجتماعی اسلامی می خوانند. نیرو های برابری طلب عدالت اجتماعی را که محتوای عمیق و فراگیر متناسب به موضع طبقاتی آنها دارد و آن را گام اول به سوی آرمان برابری می دانند، نیز تعریف و تبیین خود از عدالت اجتماعی را دارند. زنده یاد مجید بانی و رهبر ساما و "جبهه متحد ملی افغانستان" تعریفی از عدالت اجتماعی به دست داده که سامانی های راستین باورمند بدان اند: "عدالت اجتماعی که منافع ستمکش ترین طبقات جامعه، تساوی راستین و همه جانبه ملیت های کشور و نیاز های تاریخی تکامل جامعه را در جهت ایجاد جامعه فارغ از بهره کشی و ستم طبقاتی و ملی پاسخ گوید." آیا باند تسلیم شده ها به استعمار این تعریف و مرزبندی زنده یاد مجید بانی ساما را آویزه گوش خود ساخته اند و آیا به منافع طبقاتی "ستمکش ترین طبقات جامعه" خدمت می کنند؟ آیا مدافع برابری اند؟

- دموکراسی مورد نظر این شیدان و اغواگران تسلیم طلب را در وجود دموکراسی های بورژوائی غربی و "دموکراسی وارداتی امریکائی" دیدیم، اسلامگرایان در الجزایر و مصر نیز آن را تجربه کردند. در نظام های استعمارگر و ستمگر طبقاتی دموکراسی وسیله روپوش ماهیت طبقاتی نظام، ابزار تحمیق توده ها و استتار نابرابری اجتماعی است.

هر سه تای این شعار ها مطالبات رفورمیستی و بورژوائی اند که نیرو های ارتجاعی از طیف های مختلف می توانند حول آن متحد شوند. تحقق این شعار ها به شیوه فوق، فقط زنجیر های بردگی را بر دست و پای زحمتکشان محکم کرده، قدرت را از این دست به آن دست انتقال داده و در عرصه مالکیت بر وسائل تولید و مناسبات تولیدی کهنه دگرگونی بنیادی و فراگیر را سبب نشده و جامعه به پیش رانده نمی شود. در پشت این سه شعار منافع طبقاتی طبقات ارتجاعی نهفته است که شیدان انقیاد طلب به ویژه سردسته این باند، با عدول از درک و تبیین مجید و دیگر سامانی ها، در نقش خادم آن منافع ارتجاعی و نواستعماری امپریالیسم می خواهد به میدان آید. یاران و همزمان مجید به قول آن زنده یاد "در ورای" این شعار های "رنگین، تجلیل های فرمایشی و... اغواگر چهره های خائن و مزدوری را" می بینند "که رسالتی جز تقدیس بردگی استعمار نوین و تحمیل آن [و ارتجاع] بر ملت آزاده افغانستان نداشتند" و ندارند. زهی وقاحت!

- ترقی اجتماعی که ساما بر آن پیوسته تأکید داشته است، خواست مترقیی است که مرز و تنگنای طبقاتی جامعه را با نیروی خلاق توده های آگاه خلق به سوی فراخای اجتماعی و دگرگونی های ژرف اجتماعی - رفع هر نوع ستم - می شکند و در نتیجه سیر ارتقائی جامعه، آرمان برابری اجتماعی متحقق می شود. این شعار نیست، شعور است. ترقی اجتماعی، در این میان یگانه مطالبه ایست که مرز تمایز سازمان انقلابی مثل ساما را با تمام نیرو های سیاسی - طبقاتی

ارتجاعی به طور برجسته ترسیم می کند، ورنه سازمان انقلابی در این سه شعار بورژوائی استحاله شده و فلسفه وجودی خود را به مثابه پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر و سائر زحمتکشان و مدافع دموکراتیسم پیگیر و برابری اجتماعی، از دست می دهد. با همین مختصر پیرامون اعلامیه خائنان به ساما، می پردازیم به موضوع دوم و مرتبط بدان.

در پیوند با این تحرک سالوسانه و خائنانه تسلیم طلبان، به تاریخ هشتم جون ۲۰۲۵ "محفلی در تورنتوی کانادا تدارک دیده شده بود که عده ای از فرهنگیان پیرامون شخصیت رفیق مجید صحبت" نمودند. ببینیم این فرهنگیان کیانند. طبق گزارش از درون جلسه، در این جرگه کوچک تعدادی افراد از طیف های مختلف دور هم جمع شده بودند، از "نماینده واحد اروپا" تا دو تن از شرکای خیانت باند انقیاد طلبان مطرود از ساما، یک فرد لوکالیست شمالی وال مدافع مسعود و معاند ساما به همراه چند تن بیطرف و فاقد درک و موضع ثابت و شفاف ایدئولوژیک - سیاسی از پدیده تسلیم طلبی در ابعاد ملی و طبقاتی و در قبال تسلیم طلبان، اشتراک ورزیده بودند. "نماینده واحد اروپا" که حتی از درک مفهوم و محتوای ایدئولوژیک - سیاسی تسلیم طلبی ملی و طبقاتی عاجز است، به عمد و آگاهانه و شاید دستوری با حاملان خط تسلیم طلبی در این جرگه همکاری و هماهنگی تنگاتنگی داشت. در این جلسه هر چیزی وجود داشت، به غیر از تفکر و خط اصولی ساما. ترکیب جلسه خیلی نامتجانس بود و یگانه تجانس میان شرکت کنندگان آن، کنار آمدن با شرکای خیانت باند خیانت پیشه و زیر یک سقف جمع شدن با آنان بود. طبق گزارش، محتوای جلسه به جز از دراز نویسی و پرگوئی توصیفی و یک مشت دروغ تحویل دادن، نه روی اوضاع کنونی کشور صحبتی داشت، نه روی تسلیم طلبی و خیانت باند مرکزیت مطرود و شرکاء و نه روی وظایف مبارزاتی این مقطع و نه قطعنامه ای داشت. همین! از کوزه همان برون تراود، که در اوست.

مجید، قیوم رهبر و سائر جانبازان و جانباختگان متعهد جنبش انقلابی کشور ما انسان های زمینی بودند که در یک مقطع زمانی به میدان آمده، شجاعانه و آگاهانه رزمیدند و جاودانه شدند و ارثیه ارجمند مبارزاتی را به راهیان استوار راه به میراث گذاشتند. زنده یادان مجید و رهبر بار ها سوژه تجلیل های توصیفی فراوان واقع شده اند. آنان امروز به مویه کردن ما بر مزار شان نیاز ندارند. باید در این مناسبت ها مسائل روز و نیاز زمان مطرح شود تا با تعیین وظایف، در عمل در راهی که با خون سرخ آنان نشانی شده است، گام برداریم. مفلوج های سیاسی و آن عده از مغرضان و منحرفان که سودای مبارزه با اهریمن طالب و حامیان امپریالیست و مرتجع آن را در سر ندارند و بر رنج ها، مصائب و ستم های جاری بر مردم نمی اندیشند و یا قصد معامله بر سر نام مجید را دارند، به این تجلیل های ریاکارانه، دراز نویسی و پرگوئی توصیفی و یک مشت دروغ تحویل دادن پناه می برند تا در ورای آن "من" های خود را مطرح کنند در عین عدول از خط ساما و دشمنی با آن و با مدافعان راستین این خط زرین، نزد ناآگاهان خود را به دروغ مدافع راه و رسم مجید جا بزنند. اما بار کج به منزل نمی رسد و تظاهر کنندگان به دوستی با مجید و راه و آرمانش در فراز جنبش انقلابی، چون خس و خاشاک سبک رفت و روب شده و رسوای عام خواهند شد.

هر نوع معامله گری بر سر نام و اعتبار مجید محکوم و ناکام است!

یا مرگ یا آزادی!

جمعی از اعضای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۱ جوزای ۱۴۰۴ شمسی